

نقش خودکارآمدی و خلاقیت در پیشرفت تحصیلی

صدیقه ایران نژاد



انتشارات رازنهان

۱۳۹۶

شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۸-۱۴۵-۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۵۵۶۵۸
عنوان و نام پدیدآور	: نقش خودکارآمدی و خلاقیت در پیشرفت تحصیلی/ صدیقه ایران نژاد.
مشخصات نشر	: تهران: راز نهران، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۸۶ص.
یادداشت	: کتابنامه:ص. ۷۵-۸۵
موضوع	: پیشرفت تحصیلی
موضوع	: (Promotion (School
موضوع	: خودکارایی
موضوع	: Self-efficacy
رده بندی دیویی	: ۲۸/۳۷۱
رده بندی آگره	: LB۱۳۹۶۳۰۶۳ ۷۱۹ الف/
سرشناسه	: ایران نژاد، صدیقه، ۱۳۶۰ -
وضعیت فهرست نویسی	: بیا

آدرس میدان انقلاب، اول خیابان زاده جنوبی، کوچه دانشور، پلاک ۱۲، واحد ۲ شماره تماس: ۰۲۱۶۶۹۰۱۸۴۱ - ۰۹۱۲۲۳۳۰۲۶۹ آدرس الکترونیکی: raznahanbook@gmail.com آدرس سایت: www.raznahanbook.com	
---	---

عنوان کتاب	 نقش خودکارآمدی و خلاقیت در پیشرفت تحصیلی
مؤلف	 صدیقه ایران نژاد
صفحه آرا	 مریم رحیمی
طراح جلد	 رضا کاوه
ناشر	 رازنهران
شمارگان	 ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ	 اول ۱۳۹۶
قیمت	 ۱۵۵۰۰ تومان
ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۸-۱۴۵-۸	

فهرست مطالب

۱۴.....	پیشگفتار
۲۰.....	مقدمه
۲۴.....	تعاریف مفهومی متن کتاب
۲۶.....	فصل اول کلیات مفهوم پیشرفت تحصیلی
۲۶.....	پیشرفت تحصیلی
۲۷.....	نظریات پیشرفت تحصیلی
۲۷.....	نیاز و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی
۳۱.....	عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی
۳۸.....	نقش انگیزش در پیشرفت تحصیلی
۴۰.....	فصل دوم بررسی خلاقیت و سبک شناسی
۴۰.....	خلاقیت
۴۰.....	تعریف خلاقیت
۴۱.....	فرآیند خلاقیت
۴۱.....	سبک های شناختی
۴۲.....	تعریف سبک
۴۳.....	تعریف سبک شناختی

۴۳	انواع سبک شناختی
۴۳	سبک شناختی وابسته
۴۴	سبک شناختی مستقل
۴۴	مدل یونگ
۴۵	رویکرد خلاقیت شناختی: به معنی تفکر ابداعانه ساختار یافته یکپارچه
۴۷	خلاقیت «بتانی»
۴۹	مختصری از زمینه تاریخی
۵۰	الگویی از هیجار
۵۲	هیجانات، محصولات و فانه
۵۵	از نظر هیجانی آمادگی بیشتری دارند (به شنده، ۱۳۸۸)
۵۵	عوامل موثر بر خلاقیت
۵۶	مهارت‌های لازم برای تفکر خلاق و اثر بخش (به صورت فردی)
۵۷	ویژگی های افراد خلاق
۵۷	خلاقیت گروهی
۵۸	ایده پردازی گروهی
۵۹	راهکارهای لازم برای ایجاد خلاقیت و نوآوری گروهی
۵۹	موانع خلاقیت
۶۱	تکنیک های توسعه خلاقیت
۶۱	تکنیک یورش فکری یا طوفان مغزی
۶۲	تهییج ذهنی یا تکنیک گوردون
۶۲	تفکر موازی

۶۴	فصل سوم تعریف مفهوم خودکارآمدی
۶۴	خودکارآمدی
۶۶	درک خودکارآمدی
۷۰	مراحل تکامل خودکارآمدی در طول زندگی
۷۳	مفهوم دیگر خودکارآمدی
۷۴	منابع فارسی
۸۳	منابع انگلیسی

پیشگفتار

عملکرد و پیشرفت تحصیلی از جمله مباحثی است که در محیط های آموزشی، به ویژه مدارس، از اهمیت زیادی برخوردار است در این رابطه امروزه اهمیت آموزش و پرورش بر هیچ کس پوشیده نیست، سرمایه امروز و آینده ماست، سرمایه ای که نمی توان قیمتی بر آن نهاد و همان چیزی است که بشر را از عصر تاریکی و جهل به عصر روشنایی و نور سوق داده است (نورز، ۱۳۸۸). نظام های آموزشی در حال حاضر از ارکان مهم توسعه در جوامع به شمار می آیند و با توجه به اهداف و آرمانهای خود را از طریق تاسیس این نظام ها دنبال می کنند. با این توجه، آموزش و پرورش را می توان الگوی کلی نهادهای و موسسات موجود در جامعه قلمداد نمود، توسعه و توسعه جوامع را در گرو رشد و توسعه نظامهای آموزشی ممکن دانست (کیامنش و حبیبه، ۱۳۹۰). در هر نظام تعلیم و تربیت، میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، یکی از شاخص های موفقیت در فعالیت های علمی است. وجود پیشرفت تحصیلی موضوعی است که بخصوص در حال حاضر مورد توجه نظام آموزش و پرورش هر کشوری است. مراکز تعلیم و تربیت که بر آن برسو نتیجه گرا تمرکز دارند، تلاش زیادی را صرف حمایت از فراگیری دانش و شایستگی های لازم، توسعه دانش آموزان می کنند. محققان در زمینه های آموزشی به طور فزاینده ای بر نقش تفکرات، عقاید و پردازش شناختی دانش آموزان در فرآیند یادگیری دارند تمرکز می کنند (پاجارس، ۲۰۰۶). از جمله سازه های مهم در حیطه ی باورها مفهوم خود کارآمدی است. بندورا در سال ۱۹۹۷ سازه ی خود کارآمدی را معرفی کرد و در اواخر سال های ۱۹۹۷-۱۹۹۶ در چارچوب نظریه شناختی اجتماعی به آن شکل داد (پاجارس، ۱۹۹۷). خود کارآمدی، احساس شایستگی، بسندگی و توانایی در سازگار شدن با زندگی است که تامین و حفظ معیارهای عملکرد موجب افزایش آن و ناتوانی در تامین حفظ این معیارها آن را کاهش می

دهد (پاجارس، ۱۹۹۶). بندورا (۲۰۰۲)، ۴ منبع اصلی برای خودکارآمدی ذکر کرده است: موفقیت های فرد، تجارب جانشینی، افتناع کلامی و حالات جسمانی، هیجانی و خلقی در هنگام ارزیابی توانایی خود که مولفه چهارم در بعد هیجانی مطرح می گردد. باورهای خودکارآمدی در جنبه های گوناگون زندگی افراد نقش دارند. در محیط تحصیلی، خودکارآمدی نشان دهنده ی باور دانش آموزان درباره ی توانایی انجام تکلیف درسی محوله است (بنگ، ۲۰۰۱). نظریه خودکارآمدی از تئوری شناخت اجتماعی نشأت می گیرد و شامل خودکارآمدی را مبد به نتیجه به عنوان سازه اصلی می شود (بندورا، ۲۰۰۲). بندورا در نظریه علت و شناخت اجتماعی، عملکرد روانی را در شرایط «علت و معلول سه تایی» توضیح داد. این مدل «عوامل درونی» خاص در اشکال، شناختی عاطفی، بیولوژیکی، الگوهای رفتاری و رویداد های زیست محیطی را شامل یکدیگر به عنوان عوامل تعیین کننده معرفی شده اند. علاوه بر این، او ادعا می کند که رفتار انسان ها نه به طور خودکار تحت کنترل محیط زیست شکل می گیرد، نه این که کاملاً در کنترل ویژگی های جهانی باشد. هر دو عوامل تجربی و درونی که بر اثر تأثیر متقابل آنها، رفتار های اشتراکی پیچیده، برای تعیین رفتار تعیین شده است». همچنین بندورا، معتقد است که اکثر الگوهای رفتار انسانی، به وسیله ی تجربه ی شخصی سازمان یافته اند و در کدهای تجربی به جای برنامه ریزی، فطری ساخته و آماده نگه داشته شده اند. از این رو، بر اساس این تفسیر از رفتار انسان، او معتقد است که شخصیت انسان چند وجهی است و کاملاً محیطی، و تحت شرایط تعاملات گوناگون در زندگی روزمره و ویژگی های شناختی، رفتاری و تمایلات عاطفی فرد قرار دارد (بندورا، ۲۰۰۲). همچنین بالا بودن خودکارآمدی معلم رابطه مستقیمی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و بروز خلاقیت آن ها دارد (داگرتی، ۲۰۱۲). همچنین شانک^۱ بیان می کند که خود کارآمدی بر فرآیند یادگیری و پیشرفت، از جنبه هایی چون گزینش اهداف، تصمیم گیری، میزان تلاش و کوشش، پشتکار و استمرار در تکالیف و خلاقیت آنان تاثیر گذار است (شانک، ۲۰۰۳). به دنبال آن نوع اهداف، خلاقیت بر روی عقاید، شایستگی در

1-Daugherty

2-Schunk

یادگیری و نهایتاً دستیابی به پیشرفت های تحصیلی بیشتر تاثیر می گذارد (بازپچی و همکاران، ۲۰۱۱). از طرف دیگر از جمله سازه های دیگر مرتبط با فرآیند یادگیری و تعلیم و تربیت، سازه خلاقیت است. از آنجا که از اهداف مهم آموزش و پرورش، پرورش استعداد های خلاق است و نیز بر اساس کتابات مختلف، خلاقیت با پیشرفت تحصیلی رابطه دارد (رهنما و عبدالمالکی، ۱۳۸۸). سانتروک، خلاقیت را توانایی اندیشیدن در مورد امور به شیوه های بدیع و غیر معمول و دستیابی به راه حل های بی بدیل برای مساله می داند (رهنما و عبدالمالکی، ۱۳۸۸). آیزنک نیز خلاقیت را فرآیندی روانی می داند که منجر به حل مساله، ایده پردازی، مفهوم سازی، ساخت اشکال هنری و محصولات می شود که تازه و منحصر به فرد باشند (صاداتی و همکاران، ۱۳۸۷). خلاقیت حالتی ذهنی است که به تمام کارهای هوشمندانه انسان منجر می شود (آوریل، ۲۰۰۵). در این تعریف خلاقیت فعالیتی تخیلی است که منجر به نتایج ابتکاری و ارزشمند می شود. او پنج مفهوم اساسی را در این تعریف مشخص کرده است: (۱) تخیلی بودن (۲) داشتن روش و اسلوب (۳) تعقیب هدفمندانه (۴) ابتکاری بودن (۵) ارزشمندی، که مرتبه بخشی از جریان خلاقیت محسوب می شوند. در مطالعات اخیر درباره خلاقیت تقسیم بندی های متعددی از آن شده است که یکی از آنها جدا کردن خلاقیت شناختی از خلاقیت اجتماعی است (آوریل، ۲۰۰۵). آوریل و نانلی، خلاقیت هیجانی را ابراز خود به روشی جدید که با اساس آن خطوط فکری فرد بسط یافته و روابط میان فردی او افزایش می یابد تعریف کرده اند. سه مفهوم بداعت، صداقت و اثربخشی در این تعریف نهفته اند. بداعت یعنی توانایی تغییر در هنجارات معمول و ایجاد حالت هیجانی جدید که یا برخلاف هنجارها و استانداردهاست یا ترکیبی جدید از هیجانات متداول فرد است (آوریل و نانلی، ۱۹۹۲). اثربخشی به هماهنگی پاسخ خلاق با زمینه های اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد، به گونه ای که برقراری روابط مطلوب با دیگران را ممکن می کند و موجب بهبود شیوه تفکر فردی را نیز فراهم می آورد. صداقت در بروز هیجانات بدین معنی است که که هیجانات باید برخاسته از باورها و اعتقادات فرد باشد. مطابق این

ملاک، زمانی که فرد متناسب با شرایط و موقعیت و برخلاف باور و احساس خود، هیجاناتی را بروز دهد، ملاک صداقت را رعایت نکرده و در نتیجه، خلاق هیجانی محسوب نمی شود (جوکار و البرزی، ۱۳۸۹). علاوه بر ملاک های فوق، آوریل معتقد است که افراد دارای خلاقیت هیجانی برای شناخت هیجانات، وقت بیشتری صرف می کنند و گویی آمادگی ذاتی برای این کار دارند و در نتیجه در تحصیل به پیشرفت بیشتری دست می یابند. خلاقیت شناختی که سابقه طولانی تری از خلاقیت هیجانی دارد، از دیدگاههای مختلفی بررسی شده است. خلاقیت شناختی اگرچه دارای مدل های متعددی است، اما مراحل مشترک بین تمامی این مدل ها عبارتند از: آمادگی، نهان یا کمون، روشنگری و بازنگری (آوریل، ۲۰۰۵). روه بر این مراحل تقسیم بندی خلاقیت شناختی به ابعاد سیالی، بسط، اصالت و پایداری نیز بسیار متداول است (استرنبرگ^۱، ۲۰۰۳). خلاقیت شناختی، توانایی و ظرفیت فرد برای تولید ایده ها، آثار و محصولات نو و ابتکاری را نشان می دهد. به عبارت دیگر، خلاقیت موجب می شود تا فرد، انطباقی جدید با شرایط و موقعیت های محیطی به گونه ای غیر مرسوم ولی خلاق پیدا کند. از این رو باور صاحب نظران بر این است که خلاقیت ضمن داشتن توانایی های استدلالی در درون خویش با تخیل همراه است (رانکو^۲ و آلبرت^۳، ۲۰۰۶). با توجه به تعاریف و شاخص های خلاقیت شناختی و خلاقیت هیجانی، ضمن تایید وجوه مشترک بین آن ها باید توجه داشت که آن ها دو سازه ی جداگانه هستند که هم با یکدیگر و هم با سایر ویژگی های شناختی همبستگی دارند. در این خصوص کتاب ها نشان داده اند که برنامه ریزی و سلاقت هیجانی به طور مثبتی با عملکرد تحصیلی در ارتباط است (زینس^۴ و همکاران، ۲۰۰۴). همینطور یو، خلاقیت هیجانی و شناختی را مهم ترین عامل پیش بینی کننده پیشرفت تحصیلی دانسته اند (یو و همکاران، ۲۰۰۶). آوریل، معتقد است افراد با خلاقیت هیجانی قادرند به طور صحیح موقعیت را ارزیابی و متناسب با آن به سمت پیشرفت روند (آوریل، ۲۰۰۷). و در این رابطه نیز

1-Sternberg

2-Runco

3-Albert

4-Zins

وانگ^۱، بیان داشت خودکارآمدی با خلاقیت هیجانی و شناختی دانش آموزان در ارتباط بوده و دانش آموزان خودکارآمد در بهتر انجام دادن و یکپارچه نمودن اطلاعات و همینطور حل خلاقانه مسائل، کارآمدتر هستند (وانگ، ۲۰۰۳). آوریل و نولز، افراد مستعد بروز هیجانات خلاقانه، بیشتر از سایرین برای شناخت هیجانی زمان صرف می کنند و توجه بیشتری به هیجانات خود و دیگران داشته و در تحصیل، پیشرفت و عملکرد مطلوبی دارند (آوریل و نانلی، ۱۹۹۲). با توجه به آنچه مطرح شد و از آنجا که پیشرفت تحصیلی فرآیندی مرتبط با خودکارآمدی و هم خلاقیت دانش آموزان، چه در بعد شناختی و چه در بعد هیجانی می باشد. تربیت نیروی انسانی کارآمد از جمله وظایف اصلی دانشگاه ها محسوب می گردد. دانش آموزان هر مدرسه سرمایه های گران قدر هر کشور به شمار می روند که توجه به تربیت آن ها از نظر علمی، کتابی، فرهنگی بسیار حائز اهمیت است و برنامه ریزی صحیح در آموزش و پرورش آنان بر مبنای اصول اصلی مدارس به حساب می آید. مدارس همه ساله دانش آموزان جدیدالورود را پذیرفته و دانش آموزانی را نیز فارغ التحصیل می نمایند که در این چرخه ی مستمر، توجه به کیفیت آموزشی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. مدارس به عنوان مراکز تولید کننده علم و فرهنگ و تربیت نخبگان مورد نیاز کشور، به طور قاطع، خاستگاه بسیاری از نوآوری ها و خلاقیت ها برای حل مسائل روز جامعه هستند. با ورود به هزاره ی سوم، انتظارات جامعه از دستگاه تعلیم تربیت در زمینه ای روزافزون افزایش می یابد. در عصر حاضر، فراگیران اکثر اوقات خود را در محیط های آموزشی سپری می کنند. لذا نظام آموزشی تنها مسئولیت تدریس و انتقال مواد آموزشی و انبساط اطلاعات در ذهن فراگیران را بر عهده ندارد، بلکه نظام آموزشی باید محیطی را برای فراگیران فراهم سازد که بتوانند از نظر عاطفی، اجتماعی، خلاقیت و جسمانی رشد شایسته ای داشته باشند (جعفری و همکاران، ۱۳۸۳). به این ترتیب پرورش بعد خودکارآمدی و خلاقیت دانش آموزان، از اهداف عالی تعلیم و تربیت می باشد و تلاش برای وصول به این هدف از اهمیت ویژه ای برخوردار است (مرادی و همکاران، ۱۳۸۴). خودکارآمدی فرد یا اعتقاد فرد مبتنی بر دارا بودن توانایی

لازم برای رسیدن به اهداف مهم، پیش بینی کننده ی پیشرفت می باشد(صدق پور، ۱۳۸۳). آوریل، دریافت نوجوانانی که احساس خلاقیت بالایی دارند، در عملکرد تحصیلی فعال ترند و پیشرفت تحصیلی بالاتری دارند(آوریل، ۲۰۰۵). داگرتی، بیان داشت دانش آموزانی که خودکارآمدی بالایی دارند، بیشتر با تکالیف درگیر می شوند و بهتر تکالیف درسی خود را انجام می دهند. در انجام تکالیف بیشتر به توانایی های شخصی خود می اندیشند تا به شانس و عوامل بیرونی. آنها می توانند با فشارهای روانی بهتر و سازنده تر مقابله کنند. این دانش آموزان در ارتباط و همکاری و برقراری روابط اجتماعی با دیگر افراد، معلمان و مسالان خود توانمندترند. آنان توسط معلمان خود، خیلی خوب ارزیابی می شوند و راه حل های بسیاری را برای حل مسائل خلق می کنند(داگرتی، ۲۰۱۲). همچنین یکی از مهم ترین اهداف آموزش و پرورش در همه جوامع کمک به فرد است تا سبب بروز خلاقیت ها و توانایی های فرد شود و یک از متغیرهای دیگری که با پیشرفت تحصیلی مرتبط است، خودکارآمدی است. خودکارآمدی عبارت است از قضاوتهای فرد در مورد توانایی ها، ظرفیت ها و قابلیت هایش برای انجام تکالیف (بندورا، ۲۰۰۲). قضاوت های مربوط به خودکارآمدی به دلیل نقش مهمی، که در رشد انگیزش درونی دارد، از اهمیت و حساسیت زیادی برخوردار است. انگیزش درونی وقتی رشد می کند، که فرد برای دستیابی به معیارهای هیجان انگیز تلاش کند، در این صورت، هم یک ادراک از خودکارآمدی بالقوه برای دستیابی به این معیارها در فرد ایجاد می شود و هم در صورت دستیابی به نتیجه، به خودسنجی مثبتی دست پیدا می کند. این علاقه ی درونی موجب تلاش های فرد در طولانی مدت و بدون حضور پاداش های محیطی می شود. خودکارآمدی بالا می تواند نقش تعیین کننده ای در انگیزش درونی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان داشته باشد(شل، ۱۹۹۷). کدیور در کتابی نشان داد که خودکارآمدی و خودگردانی نقش مهمی در پیشبینی پیشرفت تحصیلی دارد(پروین؛ کدیور، ۱۳۸۲). ازاین رو با توجه به مطالب فوق، ضرورت داشته که به بررسی رابطه خودکارآمدی و خلاقیت دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی آنان پرداخته شود.

مقدمه

کنجکاوی، تفکر، پیرامون افراد سرآمد و با استعداد سابقه ای بس طولانی، در حدود دو هزار سال، احتمالاً به زمانی برمی گردد که برای اولین بار انسان علاقه مند شد بداند چرا افراد با هم متفاوت دارند. در جوامع مختلف همیشه افرادی بوده اند که از خود توانایی ها و برجستگی خاص مایا می ساختند که این امر موجب تحریک حس کنجکاوی دیگران می گردید و سوءظن، انتقاد و یا رغبت و تشویق آنها را در پی داشت. اشخاصی بوده اند که با استعداد فراوان و نبوغ فوق العاده خویش در طول زندگی توجه و تحسین همه را به خود جلب نموده اند و یا بدون توجه مردم، زندگی کرده اند و گاه پس از مرگشان به نبوغ آنها پی برده شده است. گرچه تمدن و فرهنگ انسانی نتیجه تلاش تمام افراد بشر است اما غنا و عظمت آن مدیون افراد خلاق، متفکران، نوآوران، مخترعان بوده است. از این رو، اهمیت شناخت و پرورش این افراد آشکار می شود. بنابراین در دنیای پیچیده کنونی که شاهد رقابت های بسیار فشرده جوامع مختلف برای دستیابی به جدیدترین تکنولوژی ها و منابع قدرت هستیم، افراد تیزهوش و خلاق و صاحبان اندیشه های نو و متکبر همانند گران بهاترین سرمایه ها از جایگاه بسیار بالایی برخوردار هستند. زیرا هر قدر جهانی که در آن زندگی می کنیم پیچیده تر شود نیاز به شناسایی و پرورش ذهن های خلاق و آفریننده محسوس و روشن تر می گردد. در همین رابط توینبی^۱ معتقد است که شانس برای به دست آوردن خلاقیت بالقوه می تواند موضوع زندگی و مرگ هر جامعه ای باشد (توینبی، ۱۹۹۹: ترجمه رهنما، ۱۳۸۸). همچنین تورنس^۲ استدلال می کند که تصاویر آگاه و

1-Toeinbi

2-Torence

ناخودآگاه از آینده نیروی محرکه مهمی در پس دستاوردهای آینده اند. تصاویر مثبت آینده نیروهای پرتوان مغناطیسی هستند که ما را به تحرک واداشتن و به ما انرژی لازم را برای حرکت به پیش، به سوی امکانات، راه حل ها و دستاوردهای خلاق و جدید می دهند، از طرفی برای آنکه بتوانیم قدرت تصور خود را پرورش دهیم و تصاویر مثبتی از آینده خلق کنیم باید خلاقیت و خودکارآمدی را پرورش دهیم. اگر چه نیاز به خلاقیت اجتناب ناپذیر است (تورنس، ۱۹۵۹؛ ترجمه نیسان و همکاران، ۱۳۷۷). از سویی در تنظیم و محتوا و مواد درسی و تدریس باید از شیوه هایی استفاده شود که متکی بر مشارکت فعال دانش آموزان در درس و بحث باشد و به دانش آموزان فرصت کافی جهت ارائه یافته های خود، راه حل های مختلف برای حل مسائل و شیوه های ابتکاری داده شود در کلیه فعالیت های فوق برنامه باید برای دانش آموزان میدان عمل جهت بروز و پرورش ابتکارات و خلاقیت داده شود و از جاذبه این گونه فعالیت ها جهت پرورش روح تفکر و کتاب، خودکارآمدی در دانش آموزان استفاده شود. همچنین در برنامه های تربیت معلم، روش های پرورش استعداد ابداع و خلاقیت به معلمان در مراحل مختلف تحصیلی تعلیم داده شود. در مورد خلاقیت و شناخت کودکان خلاق باید خاطر نشان سازیم، قی از اینکه کودکی بتواند خلاق شود به شرایط و یا محیط مناسب نیاز دارد. سیاستی که اکثر کشورهای آمریکا دنبال می شود و دارای ابعاد جهانی می باشد مؤید این نکته است، یعنی به دنبال افراد نیزهوش و خلاق در سطح جهان هستند تا با فراهم ساختن زندگی بسیار مطلوب، آنها را به کشور خود فراخوانده و با آموزش های مناسب و با امکانات بسیار پیشرفته زمینه را برای بروز خلاقیت ها در آنها آماده کرده تا در آینده کشورشان را صاحب قدرت و مشعل دار علم و تکنولوژی کنند. اگر به آمار محققان و مکتشفان این کشور نگاه کنیم می بینیم که شمار بسیاری از آنها از کشورهای دیگر و از جمله کشور ما ایران می باشند. البته باید توجه داشت که عوامل ژنتیک، پیدایش استعداد خلاقیت را در افراد ممکن می سازد ولی با وجود آن بروز و رشد این استعداد به شدت تحت تأثیر محیط غنی و والدین و مربیانی آگاه می باشد. به طوری که می توان گفت خلاقیت به عنوان یک استعداد، حاصل تعامل پیچیده وراثت و محیط

است بنابراین، خلاقیت موضوع بسیار پیچیده‌ای است و شناخت و شکوفا سازی آن به عنوان یک استعداد نیازمند فراهم آوردن روش های تربیتی نوین است و اهمیت این موضوع در جامعه صنعتی امروز به ویژه در دنیای رایانه ها ملموس تر می شود. همچنین نقش مدرسه و مربیان در جهت پرورش افکار خلاق و رشد توانایی های این گونه افراد از اهمیت بسزایی برخوردار است (افروز، ۱۳۷۱). با توجه به مطالب فوق در این کتاب برآنیم تا مشخص کنیم که خلاقیت به عنوان یک استعداد و همچنین خودکارآمدی چه ارتباطی با پیشرفت تحصیلی دارد و راههای پرورش و رشد خلاقیت و خودکارآمدی در دانش آموزان چیست .